دوشنبه ۵ مرداد ۱۴۰۵
شماره ۴۷۶۷
FARHIKHTEGANONLINE.IR
FARHIKHTEGANONLINE

زلنسکی نیروی نیابتی اروپاست؛ پاسخ ایران می‌تواند منابع انرژی اروپایی‌ها را شامل شود

راه تنبیه دلقک

ادامه از صفحه یک

نیابتی جدید

احتمال دیگر، به اتفاقات روزهای گذشته در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب می‌تواند مربوط باشد. آنجا نیز عربستان سعودی در مقابله با تلاش یمن برای شکستن محاصره طولانی‌مدت، وارد یک زدوخورد جدی با انصارالله شد و در مقابل نیز صنعا، از راهبرد «محاصره در برابر محاصره» و «تشدید در برابر تشدید» بهره برد. احتمالاً غربی‌ها با این ادعا که یمن، نیروی نیابتی ایران است، با استفاده از یک نیروی نیابتی وارد میدان شدند تا از این طریق، یکی از مسیرهای طراحی شده برای رفع محاصره دریایی ایران را مسدود کنند. اوکراین در جنگ ۴۰ روزه علیه ایران، به‌عنوان یکی از گوش‌به‌فرمان‌ترین نیروهای نیابتی آمریکا برای انجام عملیات‌هایی که واشنگتن نمی‌خواهد مستقیماً مسئولیت آن را بپذیرد، عمل کرد. زلنسکی در میانه جنگ، تیم‌های نظامی متخصص ضدپهپاد خود را به قطر، امارات و عربستان سعودی اعزام کرد. او در مصاحبه‌های متعدد اعلام کرد اطلاعات ماهواره‌ای و نظامی درباره ایران را با واشنگتن و متحدانش به اشتراک گذاشته است. اکنون با حمله به کشتی‌های ایران مرتبط در دریای خزر، اوکراین عملاً خط مقدم نظامی آمریکا در شمال علیه ایران شده است.

بحران سیاسی و نظامی درکی‌یف

زلنسکی پیش‌تر در مصاحبه با اکسیوس صراحتاً گفته بود: «من فقط نگران نیستم، مطمئنم که جنگ طولانی ایران منجر به چالش‌های تسلیحاتی برای اوکراین خواهد شد.» این جنگ طولانی اوکراین را با بحران سیاسی-نظامی عمیقی روبه‌رو کرده است. در هفته گذشته، زلنسکی ابتدا وزیر دفاع محبوب خود میخایلو فدوروف را اخراج کرد، سپس تحت‌فشار اعتراضات بی‌سابقه مجبور شد فرمانده کل ارتش، ژنرال سیرسکی را نیز برکنار کند. فدوروف در آخرین کنفرانس خبری‌اش فاش کرد که ارتش اوکراین بر اساس «وفاداری» تصمیم می‌گیرد نه «داده‌ها» و سیستم فرماندهی فعلی قادر به نگهداری خط مقدم نیست. همچنین سطح زدوخوردهای کی‌یف-مسکو در هفته‌های اخیر به‌شدت بالا رفته است.

در این شرایط اوکراینی‌ها وارد بازی‌ای شدند که بی‌پاسخ ماندن آن می‌تواند کار را به زیرساخت‌ها نیز بکشاند. آمریکا و رژیم صهیونیستی شاید اکنون به این نتیجه رسیده باشند که رژیمی را وارد میدان کنند که چیزی جز زمین سوخته از کشورش باقی نمانده و عملاً چیزی برای ازدست‌دادن ندارد. این‌گونه حتی با موشک‌باران کی‌یف، هزینه‌ای متوجه آمریکا و رژیم صهیونیستی نیست. ایران البته اوکراین را زلنسکی نمی‌داند و صورت‌حساب را برای آمریکا نیز ارسال می‌کند.

یک حمله و سه خطا

حمله اوکراین به کشتی‌های ایران مرتبط در دریای خزر، البته لقمه‌ای بزرگ‌تر از دهان اوکراین محسوب می‌شود؛ اما قطعاً به خطاهای استراتژیکش نمی‌ارزد. این اقدام، سه نتیجه تولید کرد.

اول، منافع اروپا در منطقه و خارج از آن رسماً به هدف مشروع ایران تبدیل شده و دیگر نمی‌تواند پشت لفاظی‌های دیپلماتیک ترونیکا پنهان شود. دوم، کریدور خزر را به‌عنوان یک جبهه جدید فعال کرده و می‌تواند ایران و روسیه را به تقویت همکاری امنیتی مشترک ترغیب کند و سوم، ضعف و وابستگی مطلق اوکراین و ناتو را به واشنگتن بیش‌ازپیش آشکار کرد.

پیام تکراری است؛ هر کشوری که مستقیماً یا از طریق نیابتی‌هایش به منافع ایران تعرض کند، بهای آن را خواهد پرداخت. زلنسکی می‌تواند خاطرات متخصصان پهپادی را که به کشورهای عربی فرستاده بود در این باره بشنود.

اروپا از طریق ۱۵ خط لوله فعال و در حال ساخت، ۸ میدان نفت و گاز، ۴ تأسیسات گاز مایع و ۶ پروژه بزرگ هیدروژن سبز منافع انرژی خود را در منطقه‌ای به وسعت ترکمنستان تا ایتالیا و از عمان تا یونان گسترش داده است.

شرکت‌های BP، Shell، TotalEnergies، Eni، ENGIE، EDF، DEME، Snam، Fluxys، Enagas، MOL و ده‌ها شرکت اروپایی دیگر، با سرمایه‌گذاری‌های چند ده میلیارددلاری، ستون فقرات امنیت انرژی اروپا را در این منطقه تشکیل می‌دهند. با حمله آمریکا به ایران، هزینه انرژی اتحادیه اروپا ۲۵ میلیارد یورو افزایش یافت تا اهمیت این زیرساخت‌ها بیش از هر زمان دیگری آشکار شود. حال با حمله اوکراین به یک کشتی ایرانی در دریای خزر، همه نگاه‌ها به خطوطی معطوف شده که انرژی اروپا را تأمین می‌کند. در تهران، اوکراین در حد و اندازه‌ای تلقی نمی‌شود که بخواهد چنین ماجراجویی پرهزینه‌ای را رقم بزند. اوکراین و رئیس‌جمهور دلقک آن، نیروی نیابتی اتحادیه اروپا و به‌عبارت‌دیگر ناتو برای محک‌زدن میدان هستند. به همین دلیل همه نگاه‌ها به تهران است تا ببینند آیا پس از تنگه هرمز و باب‌المندب، مسیر دیگری از تأمین انرژی مسدود خواهد شد یا ایران به شکل دیگری به این ماجراجویی پاسخ می‌دهد. البته از روند ساخت و تکمیل برخی از پروژه‌های معرفی‌شده در این گزارش اطلاعات دقیقی منتشر نشده؛ اما یکی از احتمالات قرارگرفتن این خطوط در بانک اهداف ایران است.

خطوط لوله نفت مرتبط با اروپا

خط لوله باکو - تفلیس - جیحان

خط لوله باکو - تفلیس - جیحان با نام اختصاری «BTC» به‌طول ۱۷۶۸ کیلومتر یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال نفت از حوزه دریای خزر به بازارهای اروپایی است. این خط لوله نفت خام را از پایانه سنگچال در نزدیکی باکو، از مسیر گرجستان عبور می‌دهد و به پایانه جیحان در سواحل مدیترانه‌ای ترکیه می‌رساند. از آنجا نفت با نفتکش‌ها به بازارهای اروپا صادر می‌شود. ظرفیت این خط لوله ۱ میلیون بشکه در روز است. منافع اروپا در این خط لوله بسیار بالاست. کنسرسیوم BTC Co متشکل از ۱۱ شرکت بین‌المللی است و شرکت بریتانیایی BP با ۳۰/۱ درصد سهم، اپراتور اصلی این خط لوله است. علاوه بر BP، شرکت MOL مجارستان (۸/۹درصد)، Eni ایتالیا (۵ درصد) و TotalEnergies فرانسه (۵ درصد) نیز سهامدار هستند. مجموع سهام شرکت‌های اروپایی به ۴۹ درصد می‌رسد. این خط لوله از نظر ژئوپلیتیک نیز برای اروپا اهمیت دارد، زیرا مسیر صادرات نفت خزر را از انحصار روسیه و ایران خارج کرده و یک کریدور مستقل انرژی شرق - غرب ایجاد کرده است. هزینه ساخت BTC حدود ۳/۷ میلیارد دلار بود که توسط بانک اروپایی بازسازی و توسعه و مؤسسه مالی بین‌المللی تأمین مالی شد.

خط لوله باکو - سوپسا

خط لوله باکو - سوپسا به‌طول ۸۳۳ کیلومتر نفت خام آذربایجان را از پایانه سنگچال به بندر سوپسا در ساحل دریای سیاه گرجستان منتقل می‌کند. ظرفیت آن حدود ۱۴۵ هزار بشکه در روز است و از سال ۱۹۹۹ عملیاتی شده. BP اپراتور آن محسوب می‌شود. نفت از سوپسا با نفتکش از طریق تنگه‌های ترکیه (بسفر و داردانل) به مدیترانه و بازارهای اروپا می‌رسد. هرچند ظرفیت آن کمتر از BTC است، اما به‌عنوان یک مسیر جایگزین و مکمل برای صادرات نفت خزر اهمیت دارد.

خط لوله شرق - غرب عربستان

خط لوله شرق - غرب عربستان با نام «پترولاین»، به دلیل جنگ اخیر در خلیج‌فارس و تنگه هرمز شناخته‌شده‌تر است. این خط، نفت خام را از میادین شرق عربستان به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ منتقل می‌کند. ظرفیت ۷ میلیون بشکه در روز این خط لوله را به یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های انرژی زیرزمینی جهان تبدیل کرده است. اهمیت این خط لوله برای اروپا در این است که امکان دورزدن تنگه هرمز را فراهم می‌کند؛ نفت از ینبع می‌تواند از مسیر دریای سرخ و کانال سوئز مستقیماً به بازارهای اروپا برسد.

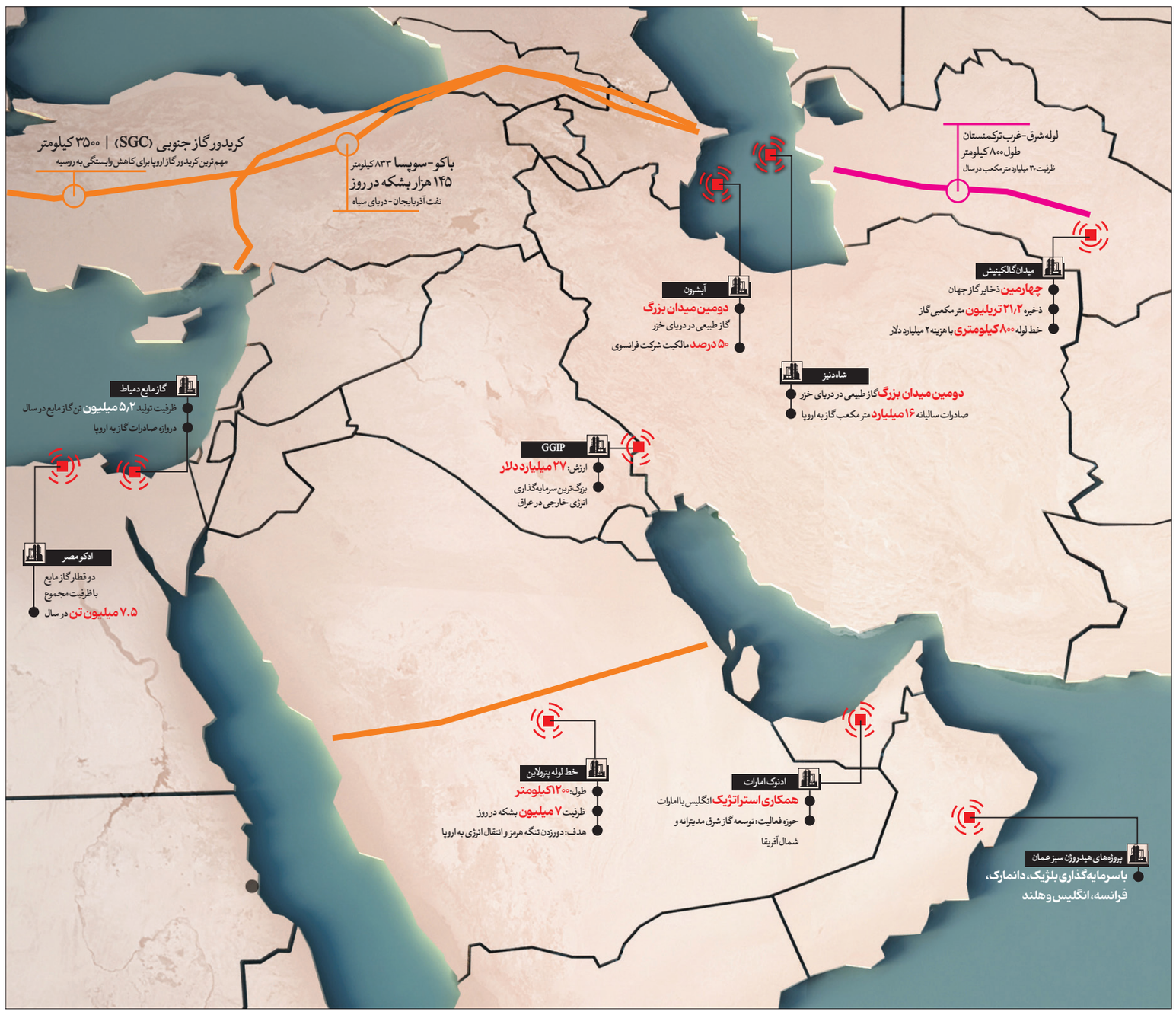

کریدور گاز جنوبی

کریدور گاز جنوبی مهم‌ترین طرح استراتژیک اتحادیه اروپا برای تنوع‌بخشی به منابع گاز است که از سال ۲۰۰۸ طراحی شد. این کریدور عظیم به‌طول حدود ۳۵۰۰ کیلومتر، گاز طبیعی میدان شاه دنیز آذربایجان در دریای خزر را از مسیر گرجستان، ترکیه، یونان و آلبانی به ایتالیا و شبکه گاز سراسری اروپا می‌رساند. مجموع سرمایه‌گذاری در این کریدور حدود ۳۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

خط لوله ترانس - کاسپین

پروژه خط لوله ترانس - کاسپین یکی از بلندپروازانه‌ترین طرح‌های انرژی منطقه است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ مطرح بوده؛ اما هنوز به صورت کامل ساخته نشده است. این خط لوله قرار است گاز طبیعی ترکمنستان (دارنده چهارمین ذخایر بزرگ گاز جهان) را از زیر دریای خزر به آذربایجان و سپس از طریق کریدور گاز جنوبی به ترکیه و اروپا منتقل کند.

میدان عظیم گالکینیش ترکمنستان با ذخیره ۲۱/۲ تریلیون مترمکعب گاز، منبع اصلی خوراک این کریدور خواهد بود. ترکمنستان در سال ۲۰۱۵ خط لوله شرق - غرب خود را به‌طول ۸۰۰ کیلومتر و با هزینه ۲ میلیارد دلار تکمیل کرد که گاز را از میدان گالکینیش به سواحل خزر می‌رساند؛ اما این خط لوله به دلیل عدم احداث کریدور همچنان بدون استفاده مانده است. طرح اولیه کریدور با ظرفیت ۳۲ میلیارد مترمکعب در سال و هزینه ۵ تا ۱۲ میلیارد دلار توسط کنسرسیومی با مدیریت بکتل و جنرال الکتریک آمریکا طراحی شد. اکنون یک نسخه سبک‌تر با ظرفیت ۱۰ تا ۱۲ میلیارد مترمکعب و هزینه ۵۰۰-۸۰۰ میلیون دلار مطرح است. اتحادیه اروپا این کریدور را ثبت کرده و به آن امکان دریافت بودجه عمومی اتحادیه را می‌دهد.

خط لوله شرق - غرب ترکمنستان

این خط لوله داخلی ترکمنستان به‌طول حدود ۸۰۰ کیلومتر در سال ۲۰۱۵ با هزینه ۲ میلیارد دلار تکمیل شد. هدف آن انتقال گاز از میدان عظیم گالکینیش در شرق ترکمنستان به سواحل دریای خزر در غرب کشور است. ظرفیت طراحی‌شده آن ۳۰ میلیارد مترمکعب در سال است. با این حال، به دلیل ساخته نشدن خط لوله ترانس - کاسپین این خط لوله عملاً بلااستفاده مانده و ترکمنستان همچنان گاز خود را عمدتاً به چین صادر می‌کند.

خط لوله ایست‌مد

پروژه ایست‌مد یک طرح استراتژیک به‌طول ۲۱۱۰ کیلومتر است که میادین گازی فراساحلی فلسطین اشغالی و قبرس را از مسیر زیردریایی به جزیره کرت یونان، سپس به سرزمین اصلی یونان و نهایتاً از طریق خط لوله Poseidon به ایتالیا و شبکه گاز اروپا متصل می‌کند. هزینه برآوردی آن حدود ۵/۹۸ میلیارد یورو و ظرفیت برنامه‌ریزی‌شده ۱۰-۲۰ میلیارد مترمکعب در سال است. این پروژه از نظر فنی یکی از پیچیده‌ترین خطوط لوله جهان است. بخش دریایی آن به‌طول ۱۳۵۰ کیلومتر در عمق ۳هزار متری (یکی از عمیق‌ترین خطوط لوله جهان) اجرا خواهد شد. این مسیر می‌تواند اسرائیل را به یک تأمین‌کننده استراتژیک گاز برای اتحادیه اروپا تبدیل و مسیر جدیدی برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی ایجاد کند. این اولین پروژه زیرساختی بزرگ مشترک بین رژیم صهیونی و اتحادیه اروپاست. این پروژه علاوه بر مخالفان سیاسی مثل ترکیه، مخالفان زیست‌محیطی هم دارد و ازبین‌بردن آن عملاً به نفع زمین است.

خط لوله گاز عرب

خط لوله گاز عرب یک شبکه انتقال گاز به‌طول حدود ۱۲۰۰ کیلومتر است که از مصر آغاز شده و از مسیر اردن به سوریه و لبنان می‌رسد. این خط لوله در اوایل دهه ۲۰۰۰ با هدف ایجاد یک بازار منطقه‌ای گاز و صادرات گاز مصر به کشورهای همسایه ساخته شد. با این حال افزایش مصرف داخلی مصر، ناآرامی‌های سیاسی در سوریه و لبنان و حملات مکرر به بخش‌هایی از خط لوله در صحرای سینا باعث شده این خط لوله کمتر از ظرفیت خود مورد استفاده قرار گیرد. این خط لوله برای اروپا به‌عنوان یک زیرساخت مکمل برای انتقال گاز شرق مدیترانه به بازارهای منطقه‌ای و نهایتاً اروپا اهمیت دارد.

خط لوله آریش اشکلون

این خط لوله زیردریایی کوتاه اما بسیار استراتژیک، مصر را به فلسطین اشغالی متصل می‌کند. گاز تولیدی میادین فراساحلی فلسطین اشغالی عمدتاً از این مسیر به مصر صادر می‌شود، جایی که در کارخانه‌های گاز مایع ادکو و دمیاط (که بخش عمده‌ای از سهام آن متعلق به شرکت‌های اروپایی شل، انی و توتال‌انرژی است) به گاز مایع تبدیل شده و از طریق مدیترانه به بازارهای اروپا صادر می‌شود. این خط لوله عملاً حلقه اتصال بین تولید گاز اسرائیل و زیرساخت صادراتی مصر به اروپاست.

میادین گازی و نفتی مرتبط با اروپا

میدان نفتی ACG آذربایجان

میدان عظیم ACG در دریای خزر، بزرگ‌ترین میدان نفتی آذربایجان و منبع اصلی خوراک خط لوله BTC است. این میدان از سال ۱۹۹۷ تولیدی شده و شرکت بریتانیایی BP با سهم ۳۰/۱ درصد اپراتور آن است. سایر سهامداران اروپایی شامل MOL مجارستان، Eni ایتالیا و TotalEnergies فرانسه می‌شوند. نفت تولیدی ACG از طریق خط لوله BTC به مدیترانه و بازارهای اروپا می‌رسد.

میدان گازی شاه دنیز آذربایجان

میدان شاه دنیز بزرگ‌ترین میدان گازی آذربایجان و منبع اصلی خوراک کریدور گاز جنوبی (SGC) است. فاز دوم این میدان (Shah Deniz ۲) از سال ۲۰۱۸ تولید گاز را برای صادرات به اروپا آغاز کرد. BP با ۲۸/۸ درصد سهم، اپراتور فنی این میدان است. گاز تولیدی این میدان به بازارهای ترکیه، یونان، بلغارستان، آلبانی و ایتالیا می‌رسد. ظرفیت فعلی صادرات به اروپا حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب است.

میدان آبشرون آذربایجان

میدان گازی آبشرون در دریای خزر توسط شرکت فرانسوی TotalEnergies با سهم ۵۰ درصد اپراتوری می‌شود. تولید گاز از این میدان از سال ۲۰۲۳ آغاز شده و انتظار می‌رود به منبع تکمیلی برای کریدور گاز جنوبی تبدیل شود.

میدان گالکینیش ترکمنستان

میدان گالکینیش در شرق ترکمنستان با ذخیره ۲۱/۲ تریلیون مترمکعبی، چهارمین میدان بزرگ گازی جهان است. این میدان منبع بالقوه خوراک برای خط لوله ترانس - کاسپین (TCP) محسوب می‌شود. ترکمنستان خط لوله شرق - غرب را برای اتصال این میدان به سواحل خزر ساخته، اما به دلیل عدم احداث TCP، گاز این میدان عمدتاً به چین صادر می‌شود.

میدان لویاتان اسرائیل

میدان گازی لویاتان در شرق مدیترانه، بزرگ‌ترین میدان گازی سرزمین‌های اشغالی با ذخایر حدود ۲۲ تریلیون فوت مکعب است. شرکت شل (هلند - بریتانیا) در زنجیره توسعه و صادرات این میدان نقش دارد. شرکت BP بریتانیا و ادنوک امارات نیز در آستانه خرید ۵۰ درصد از سهام لویاتان بودند که به دلیل جنگ غزه متوقف شد. گاز این میدان از طریق خط لوله آریش اشکلون به کارخانه‌های LNG مصر صادر می‌شود. Leviathan همچنین به‌عنوان یکی از منابع اصلی خوراک خط لوله EastMed در نظر گرفته شده است.

میدان Zohr مصر

میدان ظهر در آب‌های فراساحلی مصر در شرق مدیترانه، بزرگ‌ترین میدان گازی مدیترانه است که در سال ۲۰۱۵ کشف شد. شرکت ایتالیایی Eni اپراتور این میدان با سهم ۵۰ درصدی است. ظهر با ذخایر حدود ۳۰ تریلیون فوت مکعب، ستون فقرات استراتژی مصر برای تبدیل‌شدن به هاب گازی منطقه است. گاز تولیدی ظهر به تأسیسات خشکی مصر منتقل می‌شود و از آنجا یا به مصرف داخلی می‌رسد یا از طریق کارخانه LNG دمیاط (با مالکیت ۵۰ درصدی شرکت Eni ایتالیا) به اروپا صادر می‌شود.

میدان (Cronos (Block ۶ قبرس

میدان کرونوس در بلوک ۶ فراساحلی قبرس در سال ۲۰۲۲ کشف و در فوریه ۲۰۲۴ با موفقیت ارزیابی شد. این میدان با ذخایر بیش از ۳ تریلیون فوت مکعب گاز، به‌صورت مشارکت ۵۰-۵۰ بین TotalEnergies فرانسه و Eni ایتالیا توسعه می‌یابد. در فوریه ۲۰۲۵، یک توافق‌نامه تاریخی بین شرکت‌های اروپایی و دولت‌های مصر و قبرس امضا شد که بر اساس آن، گاز کرونوس از طریق یک خط لوله کوتاه ۴۰ مایلی به تأسیسات میدان Zohr مصر، سپس به کارخانه LNG دمیاط و نهایتاً به بازارهای اروپا صادر خواهد شد. این توافق عملاً یک کریدور گازی جدید از مدیترانه شرقی به اروپا ایجاد کرده است.

پروژه GGIP عراق

پروژه Gas Growth Integrated Project به ارزش ۲۷ میلیارد دلار بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری انرژی خارجی در عراق و بزرگ‌ترین پروژه یک شرکت اروپایی در خاورمیانه است. TotalEnergies فرانسه با سهم ۴۵ درصدی اپراتور این پروژه است.

تأسیسات گاز مایع مرتبط با اروپا

گاز مایع ادکو مصر

مجتمع گاز مایع ادکو در سواحل مدیترانه‌ای مصر، در شرق اسکندریه، شامل دو قطار تولید گاز مایع طبیعی است که هر یک ظرفیت ۳/۷۵ میلیون تن در سال دارند. مالکیت این تأسیسات به‌شدت اروپایی است. شرکت شل (هلند-بریتانیا) ۳۵/۵ درصد از قطار اول و ۳۸ درصد از قطار دوم را در اختیار دارد. TotalEnergies فرانسه نیز ۵ درصد از قطار اول را مالک است. گاز مایع تولیدی ادکو از طریق نفتکش‌های گاز مایع از مسیر مدیترانه مستقیماً به بنادر اروپا (عمدتاً یونان، ایتالیا، اسپانیا و فرانسه) صادر می‌شود. این تأسیسات یکی از کوتاه‌ترین مسیرهای گاز مایع از خاورمیانه به بازار اروپا را فراهم می‌کند.

SEGAS LNG دمیاط مصر

کارخانه SEGAS LNG در دمیاط مصر، با ظرفیت ۵/۲ میلیون تن LNG در سال، یکی دیگر از دروازه‌های کلیدی صادرات گاز به اروپاست. شرکت ایتالیایی Eni مالک ۵۰ درصد این تأسیسات است. این کارخانه در سال ۲۰۰۵ راه‌اندازی شد و پس از یک توقف چندساله به دلیل کمبود گاز، با توسعه میدان Zohr و توافق‌های جدید گازی، مجدداً فعال شده است. گاز مایع دمیاط نیز مستقیماً به بازارهای اروپا در مدیترانه صادر می‌شود.

پایانه رویتوسا یونان

پایانه گاز مایع رویتوسا در جزیره‌ای کوچک در نزدیکی آتن، اصلی‌ترین دروازه ورود گاز مایع به اروپای شرقی و بالکان است. ظرفیت این پایانه با به‌روزرسانی‌های اخیر به بیش از ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال رسیده که ۷۰ درصد بیشتر از کل مصرف داخلی یونان است. گاز مایع وارداتی از طریق شبکه خطوط لوله یونان (از جمله اتصال جدید یونان - بلغارستان که در ۲۰۲۲ افتتاح شد) به کشورهای بالکان و اروپای شرقی ارسال می‌شود. این پایانه نقشی حیاتی در کاهش وابستگی اروپای شرقی به گاز روسیه ایفا کرده است.

پایانه الکساندرپولیس یونان

پایانه شناور گاز مایع الکساندروپولیس در شمال شرق یونان که در اکتبر ۲۰۲۴ افتتاح شد، جدیدترین زیرساخت گازی اتحادیه اروپا در شرق مدیترانه است. این پایانه ظرفیت ۵/۵ میلیارد مترمکعب در سال را به شبکه گاز اروپای شرقی اضافه کرده و موقعیت یونان را به‌عنوان هاب انرژی جنوب شرق اروپا تثبیت کرده است. گاز از این پایانه می‌تواند به بلغارستان، رومانی، مقدونیه شمالی، صربستان و حتی اوکراین و مولداوی ارسال شود.

پروژه‌های هیدروژن سبز عمان با سرمایه‌گذاری اروپا

عمان در حال تبدیل شدن به هاب هیدروژن سبز اروپاست. این کشور با استفاده از منابع عظیم انرژی خورشیدی و بادی، هدف‌گذاری کرده تا سال ۲۰۳۰ به یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان هیدروژن سبز جهان تبدیل شود که نیازمند ۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. شش پروژه بزرگ با مشارکت شرکت‌های اروپایی در دست اجراست. محصول نهایی (هیدروژن سبز یا آمونیاک) از طریق کشتی به بنادر اروپا صادر خواهد شد. عمان همچنین در حال برنامه‌ریزی برای ساخت یک خط لوله هزار کیلومتری هیدروژن از جنوب به شمال کشور است. طبق گزارش شورای روابط خارجی اروپا، کشورهای خلیج‌فارس به‌ویژه عمان واقعی‌ترین شرکای اروپا برای تأمین هیدروژن پاک در کوتاه‌مدت هستند.